

فهرست اشکال و جداول

عنوان	صفحه
شکل 2-1: نظریه بازدارندگی اجتماعی.....	74
شکل 2-2: رابطه مفهوم جامعه ارگانیکی با مفهوم عدالت ترمیمی.....	99
شکل 2-3: رابطه مفهوم جامعه مکانیکی با مفهوم بازدارندگی.....	99
شکل 2-4: رابطه مفهوم جامعه ارگانیکی با مفاهیم بازدارندگی درونی و حقوق ترمیمی.....	100
شکل 2-2: رابطه مفهوم جامعه مکانیکی با مفاهیم بازدارندگی بیرونی و حقوق تنبیهی.....	101
شکل 3-1: چارت تشکیلاتی مجتمع قضایی شهید فهمیده.....	122
جدول 2-1: شاخص ها و مولفه های تئوری دورکیم.....	93
جدول 2-2: شاخص ها و مولفه های تئوری بازدارندگی.....	95
جدول 2-3: شاخص ها و مولفه های تئوری عدالت ترمیمی.....	97
جدول 4-1: وضعیت کلی پرونده ها در شعبه اول.....	127
جدول 4-2: وضعیت کلی پرونده ها در شعبه دوم.....	129
جدول 4-3: وضعیت کلی پرونده ها در شعبه سوم.....	130
جدول 4-3: وضعیت کلی پرونده ها در شعبه چهارم.....	131
جدول 4-5: توزیع فراوانی متهمان بر حسب جنس.....	132
جدول 4-6: توزیع فراوانی متهمان بر حسب رده های سنی.....	133
جدول 4-7: توزیع فراوانی متهمان بر حسب وضعیت شغلی.....	133
جدول 4-8: توزیع فراوانی متهمان بر حسب وضعیت سواد.....	134
جدول 4-9: توزیع فراوانی متهمان بر حسب وضعیت سابقه کیفری.....	135
جدول 4-10: توزیع فراوانی نوع اتهام در پرونده های متهمین.....	136

فصل اول

کلیات پژوهش

مقدمه

کودکی مرحله مابین طفولیت و آغاز نوجوانی است. کودک به فردی اطلاق می شود که یک مقطع زمانی را طی کرده است و از کودکی بیولوژیک به عضوی اجتماعی تبدیل شده است. امروزه کودکی با شتابی بی سابقه، به موضوعی قابل توجه عموم و سیاست تبدیل شده و در ابعاد گسترده و پیچیده ای مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار گرفته است. این تجزیه و تحلیل ها بدهت و ساده انگاری سنتی نسبت به دوران کودکی و موقعیت اجتماعی کودکان را مورد شک و تردید قرار داده است. در شرایط فعلی در همه کشورها -از جمله کشور ما- برخی از کودکان به دلایل متعدد، از حمایت های خانوادگی و اجتماعی به طور کامل و مناسب برخوردار نیستند. به طور مثال کودکان بی سرپرست، بد سرپرست که عموماً فرزندان طلاق محسوب می شوند یا کودکانی که به علت فوت یکی از والدین از فقدان پدر یا مادر رنج می برند و یا این که سرپرست (والدین) آنها، احساس مسئولیت در قبال فرزندان خود ندارند و بعضاً در فعالیت های ضد اجتماعی و مخالف با هنجارهای اجتماعی هم چون مصرف مواد مخدر درگیرند، این کودکان بیشتر از سایر کودکان در معرض رفتارهایی معارض با هنجارهای اجتماعی و حتی قانونی قرار دارند و لذا در برخی از موارد با ضمانت اجراهای مختلفی از سوی نهادهای اجتماعی متولی برقراری نظم و امنیت اجتماعی روبرو می شوند. در این مرحله است که نوع برخورد نظام اجتماعی و قضایی و شیوه حل و فصل مشکلات این گونه کودکان که اصطلاحاً به آن ها کودکان معارض قانون گفته می شود بسیار اهمیت می یابد؛ چرا که برخورد صحیح و مناسب می تواند شیوه و تفکر کودکان را به سمتی سوق دهد که در آینده مرتکب چنین اعمالی نگردند و راه و روش درستی زندگی در جوامع مختلف و همین طور برای گذران زندگی خود اتخاذ نمایند. در سال های اخیر، رویکرد اجتماعی جامعه ما، به سمتی متمایل گشته است که تا حد امکان از اتخاذ مجازات حبس جلوگیری به عمل آید؛ چرا که آثار سوء ناشی از رفتن به زندان برای همگان مسلم و آشکار است. به خصوص در جایی که موضوع بحث ما، کودکان باشند. لذا در همین راستا، به جای اطلاق واژه کودکان بزهکار سعی می شود در ادبیات اجتماعی مربوط به کودکان، از واژه کودکان معارض قانون استفاده شود؛ چرا که دانشمندان اجتماعی معتقدند نوع جرایم و انگیزه ارتکاب جرم و سطح مسئولیت و قدرت درک کودکان با بزرگسالان یکی نیست و لذا نمی توان در

برخورد با جرایم کودکان و بزرگسالان به طور یکسان عمل کرد. یکی از راهکارهای کاهش توسل به مجازات حبس در تمامی جوامع پیشرفته کنونی، اعمال مجازات های جایگزین است. مجازات جایگزین به هر نوع مجازاتی گفته می شود که بتوان به جای مجازات حبس از آن استفاده نمود و امروزه برای کودکان و بزرگسالان در سطح وسیعی مورد استفاده قرار می گیرد. جایگزین ها انواع متفاوتی دارند و در برخی کتب به دو دسته جایگزین های سنتی و جایگزین های نوین تقسیم بندی شده اند. برای مثال احکامی چون تعلیق و جزای نقدی جزء جایگزین های سنتی مجازات زندان و احکامی چون حبس پایان هفتگی، حبس در منزل، خدمات اجتماعی و... جایگزین های نوین مجازات زندان محسوب می شوند.

در کشور ما نیز پس از الحاق به کنوانسیون حقوق کودک، ادبیات اجتماعی و حقوقی پیرامون لزوم توسل به مجازات های جایگزین و عدم استفاده گسترده از مجازات حبس ایجاد شد و مورد توجه روشنفکران و دانشگاهیان و قضات دادگاه اطفال شهر تهران واقع شد و در نتیجه بحث ها و سمینارهای متعدد، پیش نویس لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان تهیه شد که در این پیش نویس بر ضرورت عدم توسل به مجازات حبس در خصوص جرایم کودکان و نوجوانان معارض قانون تاکید شده است.

از منظر جامعه شناسی حقوقی، مجازات های جایگزین حبس مجازات های اجتماعی هستند؛ چرا که جنبش اصلاح زندان ها که مقدمه و زمینه ای برای ایجاد مجازات های جایگزین بوده اند، اساساً جنبشی اجتماعی است و اصلاح طلبان اجتماعی در جهت بهبود شرایط نامطلوب و وضعیت وخیم زندان ها اقداماتی انجام دادند. در آن دوران به ویژه بر این دیدگاه تاکید می شد که جرم ناشی از ماهیت و طبیعت انسان نیست، بلکه به خصوص تحت تاثیر عوامل محیطی و بیرونی است. از سوی دیگر، زندان به عنوان مهمترین مجازات موجود در اختیار دولت ها در رسیدن به اهداف خود به ویژه اصلاح و درمان ناکام مانده است و لذا در ادبیات رشته جامعه شناسی حقوقی برای خروج از این وضعیت به دو اقدام اشاره شده است:

۱- کاهش مداخله دستگاه قضایی با رویکرد جرم زدایی

۲- بازاندیشی در نظریه مجازات ها و به ویژه نظریه زندان

در این اندیشه، زندان به مثابه «آخرین حربه» نگریسته می شود و تا هنگامی که دیگر شیوه های کیفردهی قابل دسترسی و مفید می باشند، نمی توان به مجازات زندان توسل یافت.

لذا مجازات های جایگزین، مجازات هایی هستند که با در نظر گرفتن شرایط فردی و اجتماعی کودک معارض قانون، متضیات سنی و روحی کودک، اهمیت نقش کودک در خانواده و اجتماع و تاثیری که بر خط مشی اجتماعی جامعه در آینده دارد، اتخاذ می شوند. هم چنین این نوع مجازات ها، خصیلت اجتماعی دارند چرا که با رویکرد اصلاحی-ترمیمی انتخاب شده اند و سعی بر این بوده است که از نگاه کیفری اجتناب شود. در این راستا بر آموزش و بکارگیری مهارت فرد معارض با قانون یا خدمات اجتماعی عام المنفعه به عنوان جبران خسارت و ضمانت اجرای لازم در برخورد با هنجارشکنی ها و زیر پا گذاشتن قوانین استفاده گسترده ای می شود. امروزه به دلیل آثار منفی اجتماعی-اقتصادی ناشی از مجازات زندان، لزوم استفاده از مجازات های جایگزین و آشنایی اقشار مختلف جامعه با اهمیت این گونه مجازات ها به خصوص در برخورد با کودکان امری مسلم و قطعی است.

اما متأسفانه غفلت از دوران کودکی در علوم اجتماعی و در کشور ما بسیار گسترده است. چنان که علیرغم پیدایش دانشکده های متعدد علوم اجتماعی، حتی یک واحد درسی نیز به این موضوع اختصاص نیافته است. اگرچه اهمیت کودکی و دوران کودکی بر همه اهل نظر در دنیای کنونی و در کشور ما آشکار است، واقعیت تعجب برانگیز در این زمینه، غفلتی است که تعمدی یا غیر تعمدی در پرداختن به چنین مقوله ای به چشم می خورد. ادبیات دوران کودکی در کشور ما اغلب محدود به مباحث سنتی روان شناسی رشد در حوزه روان شناسی اجتماعی و بحث های فرعی و درجه چندم در حوزه ای نظیر جامعه شناسی خانواده است. با کمال تعجب باید اذعان کرد که دوران کودکی هیچ جایگاهی در میان علوم اجتماعی کشور ندارد و به نظر می رسد که غفلت در این باره به حدی است که اصولاً پرداختن به چنین مباحثی در بین صاحب نظران علوم اجتماعی کشور امری ضروری و زائد نیز تشخیص داده می شود. از این رو، این پایان نامه بر آن است که ضرورت پرداختن به حوزه جامعه شناسی دوران کودکی و مسائل اجتماعی مربوط به این دوران را متذکر شود.

این پژوهش، یک پژوهش جامعه شناختی و حقوقی است و در زمره مسائل میان رشته ای در حوزه جامعه شناسی حقوقی قرار دارد؛ لذا فصل دوم این پژوهش را به دو بخش رویکرد حقوقی و رویکرد جامعه

شناختی تقسیم کرده ایم. در بخش حقوقی با توجه به موضوع تحقیق، مجازات زندان و مجازاتهای جایگزین را مورد بررسی قرار داده ایم و سپس نظریات حقوقی مربوط را مطرح کرده ایم. در بخش جامعه شناختی، به بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تصمیم گیریها و عملکرد قضات پرداخته ایم و سپس نظریات جامعه شناسی مربوط را مطرح کردیم.

۱-۱ طرح مساله

مطالعات جرم شناختی نشان می دهد که با تمام اصلاحاتی که در جهت ترمیم زندان ها طی دو سده گذشته صورت گرفته و به بهبود نسبی شرایط فیزیکی زندان ها منجر شده، نتایج مثبت، سودمند و مؤثری بر بازپذیری اجتماعی مجرمان و پیشگیری از ارتکاب جرم در سطح عموم نداشته است. نتایج به دست آمده ناامیدکننده اند و نظریه بازپروری و اصلاح زندانیان در بسیاری از کشورها تقریباً با شکست مواجه شده است. افزون بر آن ضعف امکانات فیزیکی و سازماندهی و نظارت زندان ها و نیز فساد رایج در میان زندانیان و زندانبانان که معمولاً ماموران عادی اند نه مددکاران اجتماعی، به نقض حقوق بشر و کرامت انسانی منتهی شده است. بسیاری از دولت ها به تازگی علاقه خود به ارزیابی مجدد نقش حقوق کیفری را آشکار ساخته اند و برخی کشورها در نتیجه این امر، دگرگونی های گسترده ای را در قوانین خود پیش گرفته اند. موارد زیر از جمله ایده های زیربنایی این تحول هاست:

تردید در این باره که آیا معقول است که جامعه اقدامی رسمی در برابر رفتاری که خطر و آسیب آشکار برای ارزش های اجتماعی ندارد اتخاذ کند.

تأکید جدی بر آزادی فردی که به این دیدگاه منتهی می شود که آیا این آزادی جز در شرایط کاملاً اضطراری نباید محدود شود و اینکه حقوق کیفری نباید برای تحمیل سلبات اخلاقی، دینی یا ایدئولوژیکی بخش هایی از جامعه بر دیگران استفاده شود. (زینالی، ۱۳۸۵، ۸)

به طور خلاصه می توان گفت مسائل مربوط به جرم زدایی نقش اساسی در پویایی نظام عدالت کیفری و یا ایجاد عدالت کیفری دارند. به همین دلیل مطالعه و بررسی ابعاد مختلف مجازات ها و ارائه مجازات های ترمیمی و اجتماعی جایگزین در کشورهای مختلف افق های تحقیقاتی جدیدی را مطرح کرده است. (همان، ۸)

در سال های اخیر، مجازات حبس، مورد انتقادات فراوانی قرار گرفته است. به همین جهت، مسأله جایگزین ساختن حبس با مجازات های مناسبتر دیگر که از مضرات و مفاسد آن به دور باشند، به طور جدی

مطرح گردیده است. اگرچه این مسأله در مورد تمام بزهکاران اعم از اطفال و بزرگسالان حائز اهمیت است؛ لیکن با توجه به ویژگی های اطفال بزهکار و لزوم داشتن نگرش خاص نسبت به این دسته و نیز افزایش نرخ بزهکاری اطفال و نوجوانان در سراسر جهان، موضوع مورد بحث در این گروه مستلزم توجه بیشتری است.

علاوه بر این، چندی است که موضوع مجازات های جایگزین، خصوصا در مورد اطفال بزهکار در ایران نیز مطرح شده و مسوولین امر نیز با برگزاری همایش ها و سمینارهای متعددی، علاقه خود را به این موضوع ابراز نموده اند. حتی لوایحی نیز جهت ایجاد و اجرای جایگزین ها تنظیم شده است.

از طرف دیگر، در حوزه بین المللی نیز مسأله بزهکاری اطفال و نحوه واکنش در برابر آن مورد توجه قرار گرفته است و خصوصا سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه های متعددی نشان داده که برای این امر اهمیت ویژه ای قائل است. (همان، ۱۰)

یکی از نقش های عمده جامعه شناسی حقوقی، بررسی وضعیت و عملکرد نهادهای حقوقی از منظر اجتماعی است. نحوه عمل این نهادها و تاثیرگذاری مناسب آنها به طوری که از دل جامعه برخاسته باشند و دارای کارکرد مناسب باشند، بسیار ضروری است.

این نهادها و قوانینی که در آنها به اجرا در می آیند می بایست با روح کلی جامعه و هنجارها و ارزشهای اجتماعی آن سازگار باشند و در جهت حمایت و اصلاح اقشار مختلفی که در برخورد و تماس با آن قرار می گیرند، برآیند و به همین سبب در سال های اخیر، رویکرد ترمیمی - اصلاحی در جامعه شناسی حقوقی در شاخه های مختلف اهمیت یافته است و تمامی صاحب نظران معتقدند که نگاه کیفی و سستی نسبت به جرایم و هنجارشکنی ها به خصوص در مورد کودکان و نوجوانان با شکست مواجه است. از سوی دیگر راهکارهای اساسی برای پیشگیری از ارتکاب جرم و لزوم اهمیت به روش های پیشگیری از ارتکاب جرایم مطرح شده است. چرا که بهترین روش آن است که تا حد امکان از تماس افراد با نظام قضایی پرهیز شود و این خط مشی به خصوص در مورد کودکان و نوجوانان لازم الاجراست. وجود نهادهای مددکاری، پلیس اطفال، مشاوران روان شناس و جامعه شناس در مدارس و برنامه های پژوهشی مختلف همگی در این راستا عمل می کنند. (جعفرقلی، ۱۳۸۵، ۱۶)

از سوی دیگر، در نهادهای قانونی تصویب قوانینی در جهت کاهش توسل به مجازات حبس و ارائه راهکارهای اجتماعی و خط مشی های جدید که روح ترمیمی و اصلاحی دارند، همگی نتیجه و حاصل این تغییرات فکری و عقیدتی در جامعه امروز است. به موازات تغییر در نهادهای قانونی، نهادهای قضایی نیز در عملکرد و رویه قضایی تغییراتی ایجاد می کنند و نوع تصمیم گیری ها و دیدگاه ها نسبت به جرایم و مجرمان متفاوت می شود. گاه دیده می شود که نهادهای قضایی جلوتر و سریع تر از نهادهای قانونی عمل می کنند و این در نتیجه اختیارات قضات مشغول به فعالیت در این نهادهاست که با عملکرد و رویه ی اصلاحی خود، نمایندگان قانونگزاری را مجبور به تصویب قوانین لازم می نمایند. در مورد کشور ایران این قضیه صدق می کند و عملکرد و نگرش قضات بر صدور قانون موثر بوده است. لذاست که اهمیت توجه به نقش اساسی قضات در سرنوشت اجتماعی کودکان و نوجوانان و حتی نظام قانونی کشور مشخص می شود و به همین دلیل نقطه عطف این تحقیق، رویه و عملکرد قضات دادگاه اطفال در خصوص جرایم و بزهکاری کودکان و نوجوانان است.

۱-۲ مساله پژوهش

امروزه دیدگاه های صاحب نظران نسبت به پدیده جرم و مجازات دچار تحولات شگرفی شده است. مجازات به معنای انتقام جویی و در جهت تنبیه و آزار مجرم نیست؛ مجازات وسیله ای برای بازسازی شخصیت بزهکار و توجه به کرامت های انسانی اوست. در نتیجه قوانین و نحوه دادرسی و همچنین نوع مجازات تغییرات اساسی یافته است. ضمانت اجرای غیر رسمی مانند تشویق یا سرزنش، تأیید خانواده دوستان و همکاران و مورد توجه قرار نگرفتن تأثیر بیشتری بر رفتار مردم دارد. این پژوهش به توصیف وضعیت فعلی ایران در مورد مجازات های جایگزین حبس یا مجازات های اجتماعی می پردازد.

با توجه به اینکه در مورد بزهکاران نوجوان، گرایش به اصلاح و تربیت ضروری تر به نظر می آید و توجه به فطرت پاک و لطیف نوجوان و بی تجربگی آنان در ارتکاب اعمال مجرمانه از مسائلی است که باید در نظر گرفته شود. لذا قانون توجه این پژوهش، اعمال مجازات های اجتماعی در مورد کودکان معارض قانون است. از طرف دیگر با توجه به نقش نیروی انسانی و تاثیر نگرش افراد اجرای قانون و رویه قضایی، این تحقیق در صدد توصیفی از روند اعمال مجازات جایگزین حبس در نهاد دادگاه اطفال با تکیه بر رویه قضات است. چرا که دیدگاه ها و نظرات قضات می تواند بر صدور حکم موثر باشد و رأی آنان یکی از ابعاد مهم در اجرای چنین مجازات هایی است. مسأله این پژوهش این است که بتواند یک دید کلی و شمای اجمالی از آنچه که در دادگاه های اطفال شهر تهران در جریان است، در اختیار مخاطب بگذارد و به یک تحلیل توصیفی از رویه کنونی دادگاه اطفال و به خصوص رویه قضات دست اندرکار درباره اجرای چنین مجازات هایی برسد. از منظر جامعه شناسی حقوقی تفکر حاکم بر دستگاه قضایی و نوع نگرش قضات می تواند در اجرای احکام موثر باشد؛ لذا دیدگاه ها و نظرات آن ها را در این زمینه جویا شده ایم و برآنیم که زمینه ها و بسترهای اجرای چنین احکامی را در شرایط فعلی ایران از زبان قضات دادگاه اطفال بشنویم.

در راستای هدف این تحقیق که شناسایی وضعیت موجود، شناخت نگرش و نحوه عملکرد قضات است، تلاش کرده ایم تا شرایط اجتماعی این کودکان و احکامی که درباره شان صادر می شود را از نزدیک مشاهده

کرده و یک توصیف کلی و تحلیل مختصر داشته باشیم. دغدغه اصلی پژوهش بر آن است که آیا قضات ما در جریان تصمیم‌گیری برای پرونده‌های کودکان و نوجوانان بزهکار به مجازات‌های جایگزین حبس می‌اندیشند یا خیر؟ نظرات موافق و مخالف آن‌ها پیرامون این بحث چیست؟ طرز تفکر و دیدگاه آنان راجع به جرم، مجازات و به خصوص مجازات زندان برای نوجوانان چگونه است؟

در پایان سعی می‌شود که پیش‌نیازها و پیشنهادهای مطرح‌شده که در شناخت وضعیت فعلی جامعه ما سودمند باشد و ما را در اتخاذ سیاست‌هایی که باعث ترقی و پیشرفت رسیدگی به مسائل کودکان و نوجوانان موثر واقع شوند، یاری نماید.

۱-۳ ضرورت پژوهش

نگاهی هر چند گذرا به تاریخ تحول کیفرها در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که همزمان با تغییرات در عقاید و انتظارات عمومی نسبت به پدیده‌های مجرمانه، نوع واکنش به آن نیز فرق کرده است. از سوی دیگر تحت تأثیر رویکردهای حقوق بشری به حقوق کیفری، مثل گذشته حکومت‌ها مجاز نیستند که با عنوان مکافات عمل هر نوع کیفری را بر انسان‌ها تحمیل نمایند.

جرم‌انگاری افراطی و افزایش مصادق جرم، گستره حقوق جزا را بازتر و حیطة مداخله کیفری را افزونتر کرده است. در پاره‌ای از موارد، این توسعه مداخله، نا به جا و خلاف فلسفه و هدف جامعه‌شناسی حقوقی و حقوق کیفری است.

امروزه در ادبیات جامعه‌شناسی حقوقی به مجازات حبس به عنوان یکی از کیفرهایی که عواقب و پیامدهای ناگواری را برای مجرم و جامعه در بر دارد، نگریسته می‌شود. تحقیقات اجتماعی مختلف نشان می‌دهد امکان و احتمال یادگیری رفتار مجرمانه در زندان‌ها بسیار بیشتر از سایر محیط‌های اجتماعی است. علاوه بر این نه تنها خود زندانی بلکه خانواده وی بسیار آسیب پذیر شده و در معرض تهدیدهای مختلف قرار می‌گیرند. بنابر این بررسی راه‌های جلوگیری و کاهش ورود محکومین به زندان امری حیاتی است. از طرف دیگر و در سطح کلان، مجازات زندان هزینه‌های سنگینی را بر جامعه تحمیل می‌کند و علاوه بر مخارج گوناگون، سازمان‌ها و نهادهای مختلف مثل نیروی انتظامی و دستگاه قضایی را نیز به خود مشغول می‌نماید.

از منظر اجتماعی، کودکان و نوجوانان از آسیب پذیرترین گروه‌های اجتماعی و در نتیجه نیازمند حمایت ویژه می‌باشند. یکی از مسائل بغرنج کنونی که برای تمامی جوامع مشکل‌آفرین می‌باشد مسأله بزهکاری کودکان و نوجوانان و شیوه‌های رسیدگی به این جرایم است. افزایش تعداد کودکان و نوجوانان (مخصوصاً در جامعه جوانی مثل جامعه ایران که به موجب سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵ حدود ۳۵ درصد از جمعیت آن را جوانان زیر ۲۵ سال - که تعداد قابل توجهی از آنان نیز در سنین کودکی و نوجوانی می‌باشند - تشکیل می‌دهد)، بالا بودن نرخ طلاق و از هم پاشیدگی خانواده‌ها، معضلات و مشکلات معیشتی و اقتصادی، فیلم‌ها و

کتاب های انحرافی، سهولت امر حمل و نقل و مسافرت به سوی شهرهای بزرگ، تضعیف باورهای مذهبی و اخلاقی در نوجوانان و برخی از عوامل دیگر موجب افزایش نرخ بزهکاری در میان کودکان و نوجوانان در بسیاری از کشورهای جهان شده است. این واقعیت لزوم اندیشیدن تمهیداتی را برای محاکمه و دادرسی کودکان و نوجوانان ایجاب می نماید تا در عین اینکه جامعه از اینگونه بزهکاری ها در امان باشد، شخصیت کودک و نوجوان بزهکار نیز حفظ و بازسازی شود؛ به گونه ای که وی بتواند یک زندگی منطبق بر هنجارهای اجتماعی را در پیش گرفته و از دنیای جرم و جنایت دوری گزیند.

لذا حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان که از آسیب پذیرترین اقشار اجتماعی هستند و به لحاظ موقعیت سنی، اقتصادی و اجتماعی قدرتی ندارند و ضعیف می باشند، امری اساسی است که باید به عنوان یکی از مهمترین سیاست ها و دغدغه های هر دولتی باشد.

۱-۴ پرسش های پژوهش

۱-۱-۴ پرسش های اصلی پژوهش

۱- رویه قضات دادگاه اطفال در مورد مجازات های جایگزین حبس چگونه است؟

۲- نگرش و دیدگاه قضات دادگاه اطفال در مورد مجازات های جایگزین حبس چگونه است؟

۱-۲-۴ پرسش های فرعی پژوهش

۱- آیا نوع برخورد قضات در هنگام صدور حکم بسته به خصوصیات فردی بزهکاران و نوجوانان متفاوت است؟

۲- کودکان و نوجوانان بزهکار مراجعه کننده به دادگاه اطفال چه خصوصیات و شرایط فردی و اجتماعی داشتند؟

۳- آیا رویه قضایی حاکم بر نهاد دادگاه اطفال از سال های ابتدائی تأسیس این مجتمع تا کنون دچار تغییر و تحولاتی شده است؟ (سیر دگرگونی های مربوط به صدور احکام در دادگاه های اطفال چگونه بوده است؟)

۴- دلایل پذیرش یا عدم پذیرش مجازات های جایگزین از سوی قضات چیست؟

۱-۵ اهداف پژوهش

هدف اصلی

۱- معرفی نهاد دادگاه اطفال و بررسی توصیفی رویه قضات دادگاه اطفال نسبت به مجازات های جایگزین

حبس

۲- بررسی توصیفی نگرش و دیدگاه قضات دادگاه اطفال نسبت به مجازات های جایگزین حبس

فصل دوم

ادبیات تجربی پژوهش

مقدمه

در این پژوهش، به دلیل اینکه موضوع تحقیق، یک موضوع میان رشته ای در حوزه جامعه شناسی حقوقی است، ادبیات نظری تحقیق را در دو حوزه مختلف جامعه شناسی و حقوقی بررسی می کنیم و لذا آن را به دو بخش مجزا تبدیل کرده ایم.

در ابتدا موضوع تحقیق را از منظر حقوقی و ادبیات حقوق کیفری مد نظر قرار می دهیم. در این قسمت به توضیحاتی راجع به دو مفهوم اساسی حقوقی در این پژوهش که همانا مفهوم زندان و مجازات های جایگزین حبس می باشند، می پردازیم. هر یک از مفاهیم را از نظر سیر تاریخی و تحولاتی که در طول زمان در معنا و دامنه گستردگی آن رخ داده است به طور جداگانه بررسی کرده و سپس فرآیند شکل گیری لایحه قانون مجازات های جایگزین حبس و همچنین مفاد آن را به طور مختصر مورد تحلیل قرار می دهیم.

سپس در بخش جداگانه که متعاقبا در پی خواهد آمد، موضوع تحقیق را از منظر اجتماعی و جامعه شناختی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

برخی از مفاهیم اصلی تحقیق را از منظر جامعه شناسی مورد بررسی قرار می دهیم، سپس عوامل موثر بر شخصیت و واکنشهای قاضی را از منظر جامعه شناختی مطرح می کنیم و در نهایت به بررسی نظریات جامعه شناختی مربوطه می پردازیم. در ادامه بر اساس نظریات ارائه شده، چهارچوب نظری تحقیق حاضر ارائه می گردد و سرانجام بر اساس چهارچوب نظری تحقیق و مدل نظری ارائه خواهد شد.

بخش اول

۱-۲ رویکرد حقوقی پژوهش

مقدمه

نظام عدالت کیفری سنتی با انتقادات متنوعی روبروست و لذا تغییر و اصلاح برخی جنبه های آن ضروری به نظر می رسد. زندان به عنوان اساسی ترین مجازات در نظام عدالت کیفری در محافل مختلف ملی و بین المللی مورد نقد واقع شده است. از آنجا که موضوع پژوهش، مجازات های جایگزین حبس می باشد، از این رو، در این بخش، به بررسی مجازات زندان به عنوان رایجترین مجازات در نظام کیفری کشورها می پردازیم. تاریخچه حقوقی و کیفری آن را در کشورمان مطرح می کنیم، امتیازها و معایب آن را مورد بررسی قرار می دهیم سپس به بررسی مجازاتهای جایگزین حبس می پردازیم که جزء شیوه های نوین مجازات محسوب می شوند و در واقع راهکارهایی در جهت کاهش توسل به مجازات زندان هستند را مورد مطالعه قرار می دهیم و اهداف مدنظر از مطرح کردن این گونه مجازاتها را بیان می کنیم و در آخر، سیر تشکیل لایحه قانونی مجازاتهای جایگزین حبس و مفاد آن را به طور خلاصه مورد بررسی قرار می دهیم.

در قسمت دیگر به معرفی پیمان نامه ها و اسناد بین المللی در زمینه حقوق کودکان و نوجوانان می پردازیم و فعالیت هایی را که در مجامع بین المللی با هدف کاهش مجازات حبس صورت گرفته اند مورد بررسی قرار می دهیم.

۲-۱-۱ زندان در نظام حقوقی ایران

تاریخ حقوق ایران را می توان در یک دسته بندی دوگانه به پیش از مشروطه و پس از مشروطه تقسیم کرد. پس از ورود اسلام به ایران و تا پیش از مشروطه، حقوق ایران اصولاً از دو منبع تاثیرپذیر بود: فقه امامیه و دستورها و فرمان های پادشاهان و دست نشانندگان آنان. البته واقعیت این است که در این دوران، حقوق کیفری ایران کمتر از فقه متأثر بوده است و در بیشتر موارد، تعیین جرم و مجازات و چگونگی رسیدگی به جرم ها بر پایه حکم ها و دستورهای پادشاهان صورت می گرفته است. به هر حال، از آنجا که حقوق ایران همواره متکی به فقه بوده و اکنون نیز پیوندی ناگسستنی میان حقوق ایران و فقه ایجاد شده است، بی مناسبت نیست که ابتدا به پیشینه فقهی زندان اشاره کرده و سپس به جایگاه آن در مقررات موضوعه توجه کنیم.

در این که زندان با تعبیر حبس یا سجن در نوشته های اسلامی وجود داشته و از دیرباز در زبان حقوق دانان اسلامی مورد استفاده قرار می گرفته است، تردیدی نیست؛ ولی موارد استناد به زندان در فقه و حقوق اسلامی به ویژه در دوران اولیه چندان در خور توجه نبوده است. برخی بر این باورند که در تاریخ اسلام از زندان به سه گونه استفاده شده است:

۱- بازداشت اجرایی یا اداری

۲- بازداشت پیش از دادرسی (توقیف احتیاطی)

۳- بازداشت تنبیهی (مجازات)

در حقوق اسلام، بازداشت اجرایی یا اداری در اصل در مورد بدهی ها به کار می رود. هدف از زندانی کردن در چنین مواردی تامین و تضمین پرداخت بدهی های شخصی است. در چنین مواردی، اگر آشکار شود که بدهکار به لحاظ مالی تهیدست و ناتوان است، آزاد خواهد شد. بازداشت پیش از دادرسی (بازداشت موقت) نیز در اندازه محدودی از نظرگاه حقوقی اسلام و فقه اعمال شدنی بوده است. (ساکت، ۱۳۳، ۱۳۸۵)

متون و منابع اولیه شرعی حکایت از آن دارد که در مورد پاره ای از جرم های خاص، مجازات زندان در نظر گرفته شده است. برای نمونه، می توان از زندانی کردن ممسک در حوزه قتل، زندانی کردن سارق در مرتبه

سوم و مواردی از این قبیل یاد کرد. به طور کلی، به جز موارد منصوص که برگرفته از منابع اولیه شرعی است، اصولاً فقیهان به ویژه مشهور فقیهان امامیه، به زندان به منزله یک مجازات به دیده تردید نگریسته و اصالت آن را نفی کرده اند.

پس از مشروطه، حقوق کیفری ایران به اعتبار تحول قانونگذاری چهار مرحله را پشت سر گذاشته است:

مرحله نخست از ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۲

مرحله دوم از ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۱

مرحله سوم از ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰

مرحله چهارم از ۱۳۷۰ تا کنون.

در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ چهار نوع مجازات زندان در نظر گرفته شده بود:

حبس ابد با اعمال شاقه، حبس موقت با اعمال شاقه (۳ تا ۱۵ سال)، حبس مجرد (۲ تا ۱۰ سال) و حبس تأدیبی و تکدیوری برای جرم های جنحه ای و خلاف از ۱۱ روز تا ۳ سال. شایان ذکر است که قانون مزبور از قانون مجازات ۱۸۷۱ فرانسه گرفته شده و مجازات های مزبور با الگوپذیری از این قانون به نظام حقوقی ایران راه یافته بود. (منصورآبادی، ۹۹، ۱۳۸۵)

در قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲، این وضع به طور کلی دگرگون شد و به جای مجازات های زندان و طاقت فرسای پیشین، چهار نوع زندان دیگر پیش بینی شد:

حبس دائم، حبس جنائی درجه یک (۳ تا ۵ سال)، حبس جنائی درجه دو (۲ تا ۱۰ سال) و حبس جنحه ای (از ۶۱ روز تا ۳ سال).